# تمسخر از دیدگاه قرآن

مسخره کردن و دست انداختن دیگران به نامهاي مختلف از قبيل طنز، جوك و غيره پديده اي نابه هنجاری است که از نظر قرآن و شرع، رفتاري مذموم و نکوهيده شمرده شده است.

در مقاله حاضر ريشه هاي رواني و اجتماعي اين نابه هنجاري توسط نگارنده مورد بررسي قرار گرفته و به آثار و پيامدهاي تمسخر ديگران اشاره شده است که اينك با هم آن را از نظر مي گذرانيم.

**مراعات حد و مرز**

به نظر مي رسد براي هر چيزي در جهان، حد و مرزي است که برخي ها از آن به خطوط قرمز ياد مي کنند. اصولاً قانون چيزي جز بيان کننده خط قرمزها نيست. انسان اگر بخواهد در جنگل به تنهايي زندگي کند و از جامعه دور باشد مي تواند بسياري از اين قوانين را ناديده بگيرد چنان که اصولاً بسياري از قوانين که در شهرها بايد رعايت شود در روستاها معنا و مفهومي نداشته و به تعبير برخي سالبه به انتفاي موضوعي است. درمورد طنز و فکاهي و لطيفه هم بايد حد و مرزي قايل شد و براي آن قوانيني به عنوان خطوط قرمز نگاشت. البته برخي از اين قوانين به صورت نانوشته وجود دارد و رعايت مي شود ولي اين در آن اندازه نيست که از ناهنجاري هاي اجتماعي امروز بکاهد و يا آن را مهار و تعديل کند.

**مسخره کردن از منظر قرآن**

سؤال مهمي که در اينجا مطرح است اين که آيا اسلام و قرآن براي اين مسأله طرح و برنامه اي دارد و آيا به نظر اسلام اين اعمال و رفتار و گفتار که در جامعه به سرعت افزايش مي يابد و فراگير مي شود اعمال مشروع و درستي است؟

در آيات قرآن از يك ناهنجاري به نام استهزا به معناي مسخره کردن ديگران سخن به ميان آمده است. سيدحسن مصطفوي در کتاب التحقيق في کلمات القرآن باتوجه به ريشه هزء که به معناي تحقير است مي نويسد که استهزاء يعني انسان با هر وسيله اي، ديگري را تحقير کند ودر طلب آن باشد. (ج۱۱ص۲۵۶)

در كتاب هاي اخلاقي، استهزا را مسخره كرده افراد يا برخي امور دانسته اند كه بوسيله گفتار يا كردار، مانند اشاره با چشم و ديگر اعضاي بدن به قصد تحقير و توهين به ديگران صورت مي گيرد، گاهي نيز با اهدافي ديگر مانند فراهم كردن زمينه خوشحالي و سرور خود و ديگران، يا تقويت روحيه خود و تضعيف روحيه دشمن، يا براي جبران كمبود شخصيت، ارضاي روحيه ديگر آزاري و مانند آن انجام مي پذيرد. (معراج السعاده، نراقي ص۵۰۲) البته در مواردي نيز از اين روش به هدف مجازات و يا تنبيه و يا تربيت فرد و يا جامعه اي استفاده مي شود كه در اين صورت به نظر برخي از مفسران امري پسنديده و ممدوح مي باشد. (الفرقان ج۲۶ ص۲۴۴)

اين مفهوم در آيات قرآني با واژگان ديگري چون سخريه، ضحك، غمز، لمز و همز بيان شده است. البته برخي ميان سخريه و استهزا تفاوت هايي قايل شده و گفته اند كه استهزا در جايي به كار مي رود كه شخص بدون اين كه كاري انجام دهد ريشخند مي شود ولي سخريه در آن جايي است كه اين ريشخند به خاطر كاري است كه شخص انجام مي دهد. (الفروق اللغويه ص۵۰) ضحك به معناي خنده، غمز به معناي اشاره با چشم و ابرو، همز به معناي عيب جويي در غياب شخص و لمز به معناي عيب جويي در حضور شخص و مسخره كردن وي آمده است كه همه اين ها جنبه اي از ابعاد استهزا مي باشد. (لسان العرب، التحقيق، كشاف زمخشري ج۴ ص۷۹۵)

**آثار و پيامدهاي تمسخر**

در اين جا مي توان از دو منظر به پيامدها نگريست؛ يكي آن كه درباره آثار اجتماعي و روحي و رواني و يا به زبان دقيق تر از مسئله مجازات مسخره كنندگان به عنوان آثار سخن بگوييم و بيان داريم كه قرآن چه مجازاتي براي اين عمل زشت و نابهنجار مشخص كرده است. چنان كه در برخي از كتب بر پايه آموزه هاي قرآني و بيانات الهي به مجازات تمسخركنندگان به عنوان آثار و پيامدهاي استهزا اشاره شده و بيان گرديده است كه از آثار اين عمل در دنيا و آخرت مي توان به حبط اعمال، ارتداد، حسرت در قيامت و خواري و ذلت و عذاب اخروي اشاره كرد.

دوم آن که از منظر آثار اجتماعي و تأثيرات زيانبار تمسخر بپردازيم. در اين جا به اين بخش بيشتر توجه مي دهيم تا دريابيم که قرآن چه آثار و پيامدهايي براي اين رفتار نابهنجار بيان مي کند.

از آثار نخست اين عمل نابهنجار مي توان به مسئله دامن زدن به اختلافات ميان قوم ها و گروه ها اشاره کرد. به اين معنا که مومنان را از يك ديگر دور ساخته و الفت و عشق را از ايشان مي راند و موجبات عداوت در ميان ايشان را فراهم مي آورد. از اين روست که قرآن در سوره حجرات از اموري چون غيبت و تمسخر بازداشته و از مومنان خواسته که اين شيوه رفتاري را کنار گذاشته و به تمسخر و غيبت ديگران نپردازند. (حجرات آيه ۱۱)

دومين پيامدي که مي توان بدان اشاره کرد مسئله ارتداد است. کساني که به تمسخر ديگران و به ويژه مومنان مي پردازند با اين روش دل هايشان مي ميرد و اندك اندك از دايره ايمان خارج مي شوند. (توبه آيه ۶۴ تا ۶۶)

سومين اثر و پيامد تمسخر ديگران فراموشي خداوند است. به اين معنا که موجب مي شود تا دل ها سخت شده و ياد خدا و قيامت از دل ها بيرون رود. (جاثيه آيه ۳۴ و مومنون آيه ۱۱۰)

**راهکارهاي رهايي از تمسخر**

براي رهيدن از اين نابهنجار اجتماعي و اخلاقي، قرآن دستور مي دهد که مومنان افراد تمسخر کننده را پند دهند (هود آيه ۸۷) و از هم نشيني با آنان پرهيز نمايند. (انعام آيه ۶۸ و حجر آيه ۹۴) و از دوستي با آنان خودداري کنند.(مائده آيه ۵۷) و در صورتي که اين کار از سوي دشمنان خدا و دين صورت گيرد به مقابله به مثل هم اقدام کنند.(هود آيه ۳۸)

**استهزاي پسنديده**

استهزا و تمسخر هر چند بيشتر به عنوان نابهنجار و صفت ضداخلاقي و ناپسند شناخته مي شود اما بشر گاهي از آن به عنوان ابزاري تنبيهي و يا مجازات و يا اصلاح و هدايت ديگران بهره مي جويد چنان که در

دوران ما اين روش به عنوان يكي از روش هاي بازسازي اخلاقي و گاه تنبيه و مجازات گناهكاران و افراد ناسالم اجتماعي و تخريب ناهنجاري ها بهره گرفته مي شود و همانند آتش كه گاه براي خاموش كردن آتش استفاده مي شود، اين نابهنجار براي نابودي نابهنجار مورد استفاده قرار مي گيرد.

قرآن نيز از همين اسلوب گاه براي بازسازي اخلاقي و بازگرداندن افراد به مسير درست تكاملي و هدايت بهره مي گيرد.(من اساليب التربيه في القرآن ص ۱۵۱)

روش قرآن بيشتر در قالب تمثيل و تشبيه به كار رفته است تا خطاكاران، كافران و مشركان را به مسير درست بازگرداند. چنان كه در سوره مدثر آيه ۵۰ مشركان را به گورخراني تشبيه مي كند كه از جلو شير مي گريزند. يا دانشمندان و عالماني را كه به كتاب و دانش خود عمل نمي كنند به خران باربري تشبيه مي كند كه كتاب هايي بر روي آنها نهاده شده(جمعه آيه ۵) و نيز از عموي پيامبر كه به كنايه به عنوان ابولهب (پدر آتش دوزخ) و يا از زنش به حماله الحطب(هيزم آور دوزخ) (سوره تبت آيه ۱و ۳) و از صداي بلند به صداي خراي ياد مي كند. (لقمان آيه ۱۹)

گاه انسان متكبر و مغرور را با لحن تمسخر گونه اي خطاب مي كند و مي فرمايد: تو نمي تواني با اين گونه رفتار زمين را بشكافي و يا در بلندي به كوه ها هم نمي رسي (اسراء آيه ۳۷) و يا به زبان ابراهيم، بت پرستان را مسخره مي كند و مي گويد: به حتم اين بت بزرگ بوده كه از حسادت، بتان را شكسته است. (انبيا آيه ۶۳) اين همه براي اين است كه اهل باطل و كفر حق را بازشناسند و از آن مقام كه براي خودساخته و نشسته اند فرود آيند و به راه هدايت درآيند.